

تولد یک زبان

از آنجا که نویسندگان آمریکای جنوبی هیچگاه زبانی را که به آن می‌نوشتند از آن خود نمی‌دانستند، عقده‌ای در ایشان ایجاد شده بود. آنچه باعث می‌شد این وضعیت تشدید گردد نظر بسیاری از نویسندگان شهرهای بزرگ اسپانیا بود و بخصوص آنها که در استفاده از کلمات صحیح و سواس دارند. اینها زبان اسپانیایی را متعلق به خود دانسته، ادبیات آمریکای جنوبی را تنها انشعابی از ادبیات اسپانیایی می‌شمردند. این اعتقاد توسط مقاله نویس و داستان نویس اسپانیولی آزرین (۱۹۶۷ - ۱۸۷۴) در ابتدای سده حاضر به صراحت اعلام شد: «ما هستیم که روح زبانیم.»

زبان‌شناسان و لغت‌شناسان کوشیده‌اند تا پدیده‌ای را که نویسندگان دو سوی آتلانتیک را در عین حال بهم نزدیک کرده و از یکدیگر دور می‌سازد توضیح دهند. زبانی که به دلایل روشن تاریخی و سیاسی کاستیلی و یا اسپانیولی خوانده می‌شود، یک «نظام» زبانی است. این نظام زبانی در اسپانیا و به دلایل بیشتر در امریکای جنوبی دارای گونه‌هایی است. وجود زبانهای سرخپوستی در زیر بنا و نفوذ زبانهای آفریقایی در نقاطی مانند کارائیب، و زبان مهاجرین و نیز زبان نویسندگان خلاق عمیقاً در تغییرات آوایی و صرف و نحو زبان اسپانیایی امریکای جنوبی تأثیر گذاشته‌اند. این عوامل که در طی قرن‌ها در باروری زبان اسپانیایی امریکای جنوبی سهم بوده هرگز وحدت نظام را از بین نبرده است. زبان همواره همان زبان اسپانیایی بوده و صرفاً تغییر شکل پذیرفته و غنی گردیده و این امری است کاملاً طبیعی. این تغییر از طریق همکاری، که خود نشان دهنده زمینه فرهنگی و تاریخی آمریکای جنوبی است، صورت گرفته است. این وضع حاصل کوششی سخت و پیگیر در جهت شناسایی و تثبیت هویت فرهنگی بوده است. این کوشش که بارها بی‌نتیجه ماند، سرانجام در قرن بیستم به ثمر رسید. نظری که در باره نظام زبان اسپانیایی و گونه‌های آن ارائه شد در زمانی خاص از تاریخ ادبی آمریکای جنوبی به وضوح خود را نشان داد. زمانی که عقده حقارت نویسندگان آمریکای جنوبی در برابر نویسندگان ایبرایی (اسپانیایی - پرتغالی) رنگ باخت و این زبان را از آن خود شمردند. این زمان همچنین شکوفایی ادبیاتی را در پی داشت که ابتدا در قالب شعر و بعدها غالباً به صورت داستان هویت فرهنگی قاره را با آثار استثنایی و برجسته در صحنه ادبیات معاصر به ثبت رسانده است.

مشاغلی که یک پسر آزتکی می‌تواند انتخاب کند در این صفحه از «کتاب مندوزا»، سندی از زندگی آزتکی سده شانزدهم، نشان داده شده است. در قسمت وسط بالای صفحه، پدری مشاغل را برای پسرش توضیح می‌دهد.

مجموعه آرشپوها (ر.ک. ص. ۱۸) به خاطر مسئولیتی که در مورد کل قاره بر عهده دارد و نظر به روش‌شناسی خاص خود که مطالعه متن اصلی را همراه با مطالعه مراحل مختلف آن متن در نظر می‌گیرد، مرحله قطعی تکامل ادبی آمریکای جنوبی را در سده بیستم آشکار می‌سازد. کار مطالعه توسط متخصصین با دیدهای گوناگون و امروزی نقد،

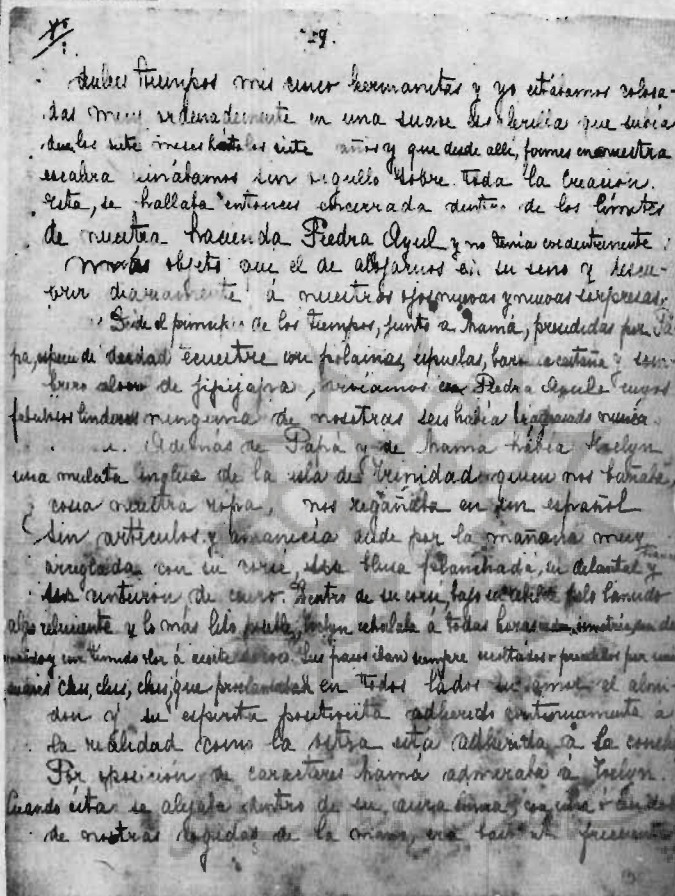
هر چند زبان را نمی‌توان تنها عامل شکوفایی ادبی آمریکای جنوبی در دهه‌های اخیر دانست، اما اگر نگوییم اساسی‌ترین عامل است، به عقیده من یکی از عوامل مؤثر در این باب به حساب می‌آید. زیرا نویسندگان با نوشتن به زبانی که به خود او تعلق دارد می‌توانند بدون داشتن عقده و یا وجدان ناراحت توازن در عبارات و کمال نوشته را باعث شود.

نوشته روبن باریرو ساگویر

جنبه‌های مختلف اثر را نمایان می‌سازد. برای تهیه متن دقیق، بر غوردهای گوناگون به کار گرفته می‌شود که در آن هم دقایق کار و اجزای اثر مورد نظر بررسی می‌شود و هم آن را با دیدی جامع‌تر بررسی می‌کنند. از آنجا که مجموعه آرشيوها در برگزیده آثاری است که از ابتدای سده حاضر تا بحال نوشته شده خواننده می‌تواند پیشرفت آثار ادبی آمریکای جنوبی را از آخرین مراحل بی‌تابی آن تا آنجا که مسیر خود را یافته و تثبیت شده است دریابد و چون این مجموعه تمام کشورهای آمریکای جنوبی را در بر می‌گیرد خواننده می‌تواند با دیدی جامع تنوعات زبانی را که قبلاً در باره‌اش صحبت شد بررسی کند. همچنین می‌توان واقعتاً را در باره وضعیت زبانی آمریکای جنوبی دریافت. همین واقعتاً که زمانی از دید گنگ انتقادی پیشینیان یک نقص شمرده می‌شد، یک ایراد قابل سرزنش و ایرادی که یکدستی زبان کاستیلی را آورده می‌ساخت، در واقع منبع تقویت زبانی در حال تکامل است. در واقع کمتر زبانی مانند زبان اسپانیایی امکان بهره‌گیری از این همه منبع را داشته است. این واقعتاً را امروزه نویسندگان و حتی دانشگاهیان اسپانیایی شناخته و پذیرفته‌اند، واقعتاً که افراد هر دو جامعه را در درک هر چه بیشتر یکدیگر یاری کرده و آگاهی ایشان را در مورد تعلق هر دوی آنها به یک جامعه فرهنگی واحد سبب شده است.

مجموعه آرشيوها به جستجوی هویت آمریکای جنوبی، و شاید بهتر است بگویم به تأیید آن کمک می‌کند. در این جستجو حیطة‌ای است که هنوز به شناسایی آن همت نگمارده‌اند، گر چه به ریشه و اساس

هویت آمریکای جنوبی مربوط است و آن ادبیات سرخپوستی است. در جلسه همگانی الکا (انجمن آرشيوهای ادبی سده بیستم مربوط به آمریکای جنوبی کارائیب و آفریقا) طرحی به تصویب رسید تا متون این زبان ریشه‌دار را که بیشتر در شکل گفتاری آن حفظ



تصویر راست، صفحه ۹ دستنوشته خاطرات ماما سفید (۱۹۲۹)، رمان ترازولا پارا (۱۹۳۶-۱۸۹۵)، نویسنده ونزوئلایی (تصویر بالا). دستنوشته در کتابخانه ملی ونزولا، در کاراکاس، نگهداری می‌شود.

رساله جامع علوم انسانی

نشانی در حافظه جمعی یک ملت گذرا، یک چنین حرکت بی نظیر فرهنگی بهترین نتایج را بدنبال خواهد داشت.

شده است پیش از نابودی کامل آن منتشر کنند. اجرای این طرح می‌تواند در حفظ و نجات متونی که نه تنها از لحاظ زیباشناسی اهمیت خاص دارند بلکه برای درک اساس فرهنگ آمریکای جنوبی گره گشا هستند موثر باشد، متونی که به اندازه خاکی که در آن مدفون بوده تمام نشدنی و در عین حال همانند یک نجوا و یا

دو زن اینکایی که در برابر فاتحان اسپانیولی، فرانسیسکو پزارو و دیگو دو الما گرو، زانو زده‌اند. این تصویر یکی از چندین تصویری است که در اثر دو بخشی فلیپ گوامان پوماوایالا (۱۶۱۵ - ۱۵۳۴)، مورخ پرویی، با عنوانهای Nueva Cronica (۱۶۰۰) و Buen gobierno (۱۶۱۵) آمده است.

